

از "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران" پشتیبانی کنیم!

به همه آزادی خواهان جهان

کارگران ایران از محروم ترین و تحت ستم ترین بخش های مردم ایران هستند که همواره ابتدایی ترین حقوق شان نادیده گرفته شده است. اول ماه مه هر سال فرصتی است برای یادآوری و افزایش تلاش برای پشتیبانی از مبارزه کارگران برای احقاق حقوق از دست رفته شان. امسال "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران" به همت گروهی از تلاش گران حقوق بشر این مهم را بر عهده گرفته و می خواهد صدای کارگران ایران به ویژه کارگران دربند باشد و فریاد حق طلبی آنان را به گوش جهانیان برساند. ما در "کانون ایران آزاد" با پشتیبانی کامل از این کمپین از تمامی کوشندگان حقوق بشر و حقوق کارگر دعوت می کنیم تا دست در دست هم به این کمپین بپیوندند و از اول اردیبهشت ۱۳۹۲ (۲۱ آوریل ۲۰۱۳) تا اول ماه می ۲۰۱۳ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲) در یک همبستگی جهانی، صدای همه ی کارگران ایران اعم از کارگران شاغل، کارگران بیکار، زنان کارگر، کودکان کار، کارگران افغان و به ویژه کارگران در بند باشیم.

۲۰ آوریل ۲۰۱۳

۳۱ فروردین ۱۳۹۲

ایران آزاد

Iran-Freedom-Gemeinschaft für Menschenrechte, Freiheit und Demokratie – Deutschland e.V.

Iran-Freedom - Society to Support Human Rights, Freedom and Democracy - Germany

ایران آزاد - کانون دفاع از حقوق بشر، آزادی و دموکراسی - آلمان

[www.iran-freedom.eu](http://www.iran-freedom.eu) [fa.iran-freedom.eu](http://fa.iran-freedom.eu) [info@iran-freedom.eu](mailto:info@iran-freedom.eu) [Facebook Iran-Freedom](#) [YouTube: IranFreedomGer](#)

## فراخوان "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران" به مناسبت روز جهانی کارگر

### مردم آزاده جهان، هموطنان عزیز ایرانی

اجرای سیاست های ضد ملی و ضد کارگری مقامات مسوول جمهوری اسلامی ایران، زندگی و معیشت میلیون ها کارگر و خانواده های کارگری در ایران را به خطر انداخته است. سیاست های تعدیل اقتصادی، حذف یارانه ها، خصوصی سازی و رشد اقتصاد انگلی، موجب تعطیلی بسیاری از مراکز تولیدی شده و تولید صنعتی و کشاورزی را به سمت فعالیت های غیرمولد برده است. گزارش های کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به نقل از پایگاه خبری کارگر نیوز در ۲۶ شهریور ۹۱، نشانگر آن است که ۵۰ درصد واحدهای تولیدی در ایران تعطیل و یا در شرف تعطیلی اند و اکثر واحدهای تولیدی بزرگ، با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت مشغول به کارند.

بی توجهی به بحران اشتغال، وضعیت معیشت کارگران و تعیین دستمزدی به میزان یک سوم خط فقر اعلام شده در سال جاری، بدون هیچگونه حق تشکل مستقل، اعتراض و اعتصاب، زندگی کارگران که مهم ترین سرمایه ملی و موثرترین نیروی اجتماعی هستند، را، با دشواری های بی سابقه ای روبرو کرده است.

فقدان ایمنی محیط کار و وسایل مناسب کار، موجب رشد فزاینده ی حوادث ناشی از کار شده است. بنا به گزارشات سازمان پزشکی قانونی، روزانه ۵ کارگر جان خود را از دست می دهند.

در چنین شرایطی، ممانعت از فعالیت های متشکل و مستقل کارگران در سندیکاها و تشکل های کارگری، سرکوب کارگران و فعالان کارگری به جرم حق طلبی و دفاع از حقوق صنفی و قانونی، موجب بازداشت و شکنجه و صدور احکام سنگین برای ده ها نفر از کارگران پیشرو شده است.

کارگران ایران با همه ی فشارها و محدودیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، همواره، نیروی عظیمی در مقابله با ظلم و استثمار بوده و هستند. به همین دلیل به شدیدترین شکل، سرکوب می شوند. ستار بهشتی کارگر و بلاگ نویس و منتقد سیاست های ضد مردمی جمهوری اسلامی ایران، نمونه ای از کارگران آگاه و مبارز ایرانی است که متأسفانه یک هفته پس از بازداشت در سال گذشته، بر اثر شکنجه به قتل رسید.

با تاکید بر ضرورت اجرای تعهدات ملی و بین المللی از جمله تعهدات پذیرفته شده جمهوری اسلامی ایران، در مقاله نامه های شماره ۹۸ و ۸۹ سازمان بین المللی کار ILO در مورد آزادی تشکل یابی کارگران، "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران" برای همدلی و همراهی با کارگران ایران از کلیه افرادی که نگران آینده ایران و خواهان آزادی تشکل های مستقل کارگری و عدالت اجتماعی و آزادی کارگران مبارز در بند هستند، درخواست می نماید، به هر شکل و شیوه ممکن، از اول اردیبهشت ۱۳۹۲ (۲۱ آوریل ۲۰۱۳) تا اول ماه می ۲۰۱۳ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲) در یک همبستگی جهانی، صدای همه ی کارگران ایران اعم از کارگران شاغل، کارگران بیکار، زنان کارگر، کودکان کار، کارگران افغان به ویژه کارگران در بند باشیم.

کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران – ۹۲/۲/۱

جهت آشکار شدن وضعیت دشوار کار و زندگی کارگران در ایران، گزارش کوتاهی از وضعیت معیشت کارگران - حوادث کار - بیکاری کارگران - کارگران زندانی - زنان کارگر - کودکان کار و کارگران افغان، پیوست است.

### - وضعیت معیشت کارگران در ایران

کارگران در ایران زیر خط فقر زندگی می کنند.

اول دی ماه سال ۱۳۹۱ یکی از اعضای شورای عالی کار، سازمانی وابسته به دولت، در گفتگو با خبرگزاری دولتی پانا، خط فقر در ایران را یک میلیون و پانصد هزار تومان برای خانوار ۴ نفری اعلام کرده است. با توجه به نرخ تورم که توسط بانک مرکزی و مرکز آمار ایران اعلام شده، نرخ تورم کالاهای مصرفی و خدماتی در ماه های پایانی سال ۱۳۹۱ به بیش از ۳۱ درصد رسیده و این نرخ تورم در مورد کالاهای مصرفی بیش از ۴۰ درصد اعلام شده است. با توجه به این نرخ تورم، خط فقر در آغاز سال ۱۳۹۲، حدود یک میلیون و هفتصد هزار تومان در ماه برآورد می شود. با مقایسه این رقم با حداقل دستمزد تعیین شده در سال ۱۳۹۲ از سوی شورای عالی کار، یعنی رقم چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان در ماه، می توان تاحدودی به عمق فاجعه پی برد. در موارد بسیاری حتی این رقم ناچیز نیز به موقع پرداخت نمی شود و گاه، ماه ها به تعویق می افتد. برای نمونه می توان به ۲۳۰۰ کارگر کارخانه های نورد لوله صفا و پروفیل ساوه اشاره کرد که در آستانه سال نو ۱۳۹۲، نه تنها عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده اند، بلکه حقوق سه ماه پایان سال آنان نیز به تعویق افتاده است و یا کارگران راه سازی کهگیلویه و بویر احمد که تا اسفند سال ۱۳۹۱، به مدت هفت ماه از حقوق و مزایای خود محروم بوده اند. زندگی در چنین شرایطی به مثابه مرگ تدریجی برای کارگران و خانواده های کارگری است. این در شرایطی است که روند تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران از سوی شورای عالی کار، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حتی مطابق با ماده ۴۱ قانون کار نیست. ضمن آنکه در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران نیز آن را امضا کرده، آمده است: «هرکس حق دارد از سطح معیشتی کافی برای سلامتی و رفاه خود و خانواده اش از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری بهره مند گردد و حق دارد به هنگام بیکاری، بیماری، از کار افتادگی، بیوهگی و سالخوردهگی یا فقدان وسیله امرار معاش و گذران زندگی که خارج از اختیار وی است تامین گردد.»

### - حوادث حین کار

مرگ تدریجی تنها خطری نیست که کارگران را تهدید می کند. مرگ ناگهانی در اثر سوانح کار، یکی از موارد مهمی است که هر ساله جان هزاران کارگر را می گیرد و چون اغلب کارگران در کارگاه های کوچک بدون هیچ گونه نظارتی اشتغال دارند، خانواده های کارگرانی که در اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند و اغلب فاقد بیمه های حمایتی هستند. براساس گزارشات سازمان پزشکی قانونی، روزانه ۵ کارگر در اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند و این نرخ هر ساله رو به افزایش است چنان که در سال ۱۳۸۹ تعداد تلفات ناشی از حوادث کار، ۱۲۹۰ نفر گزارش شده، در حالی که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۱۵۰۷ نفر بالغ گردیده است. بر اساس آمارها و گزارش های رسمی، حوادث ناشی از کار، دومین علت مرگ و میر در ایران است. سقوط از بالای ساختمان های مرتفع در هنگام کار، انفجار معادن، آتش سوزی در محل کار، ریزش ساختمان در محل کار، و سقوط در چاه های عمیق عمده ترین دلایل حوادث کار هستند که تقریباً در تمام موارد به دلیل فقدان

ایمنی محیط کار و نبود وسایل مناسب کار رخ داده است. در عین حال، در گزارش های خبرگزاری ایلنا و نیز تشکل های کارگری از «اهمال» بازرسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سخن گفته شده است. در مورد حوادث حین کار، نمونه های بیشماری از این دست وجود دارد از جمله آتش سوزی در آذرماه سال ۱۳۹۰ در کارخانه فولاد غدیر یزد که طی آن ۱۸ کارگر جان خود را از دست دادند و عده ای نیز تا نیمی از بدنشان در آتش سوخت. در اسفند ماه سال گذشته، انفجار معدن یال شمالی ذغال سنگ در طبس جان ۸ کارگر را گرفت. در شماری از این حوادث، تاکنون پیگیری های قضایی به نتیجه نرسیده است.

### - اخراج کارگران و بحران اشتغال

اغلب کارگران در ایران، بر اساس قراردادهای موقت، پیمانی، روزمزدی، ساعتی و سفیدامضا به کار گرفته می شوند. این کارگران فاقد بیمه های بیکاری و دوران بیماری یا آسیب دیدگی هستند. این قراردادها، اخراج و بی کارسازی انفرادی یا گروهی آنان را، برای کارفرمایان بسیار آسان کرده است. با توجه به تحریم های فزاینده اقتصادی علیه ایران و سیاست های ضد ملی حکومت جمهوری اسلامی ایران و افزایش سرسام آور نرخ ارز در ایران زندگی مردم به ویژه کارگران بسیار دشوار تر شده است. بسیاری از کارفرمایان به سبب پیوندهایی که با دستگاه حکومتی دارند، همواره از نرخ دولتی ارز برای واردات مواد اولیه و ماشین آلات بهره مند هستند و در بسیاری از موارد، فروش ارزهای رانتی یا سرمایه گذاری در امور تجاری، از تولید کالا، سودآور تر شده است. در نتیجه، کارفرمایان، بدون هیچ نظارتی کارخانه ها و کارگاه های تولیدی را تعطیل و کارگران را اخراج می کنند. بنا بر اظهارات رئیس خانه کارگر، که یک نهاد دولتی است، از اول ماه مه ۱۳۹۰ تا تاریخ مشابه در سال ۱۳۹۱، بیش از یکصد هزار نفر کارگر از کار اخراج شده اند.

### - کارگران زندانی

با وجود به رسمیت شناخته شدن حق کارگران برای ایجاد انجمن های صنفی و سراسری در قوانین جمهوری اسلامی ایران، دولت، با تشکل های مستقلی که توسط خود کارگران و برای پیگیری خواسته های به حق شان تشکیل شده، به شدت به مقابله برخاسته است و کارگران پیشرویی را که در ایجاد سندیکا ها و تشکل های کارگری تلاش نموده اند، تحت تعقیب و آزار قرار می دهد. نمونه های آن را می توان در سرکوب خشن "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه"، "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اهواز"، "سندیکای کارگران نقاش"، "اتحادیه کارگران آزاد" و "کمیته پیگیری برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"، مشاهده کرد. بسیاری از اعضای این تشکل ها به زندان های طویل المدت محکوم شده اند و هم اکنون برخی از آنان در زندان به سر می برند. شاهرخ زمانی محکوم به ۱۱ سال، رضا شهبانی ۶ سال، محمد جراحی ۵ سال، بهنام ابراهیم زاده ۵ سال و پدرام نصرالهی به ۳ سال حبس محکوم شده اند. (بهنام ابراهیم زاده تا زمان تهیه گزارش در مرخصی به سر می برد) علاوه بر اینان شمار زیادی از فعالان کارگری و مدافعان حقوق معلمان در زندان های جمهوری اسلامی در بندند و بسیاری دیگر نیز با وثیقه های سنگین به طور موقت تا تشکیل دادگاه آزاد شده اند. تعدادی از کارگران زندانی از جمله محمد جراحی و شاهرخ زمانی به شدت بیمار هستند و به مراقبت های پزشکی احتیاج دارند.

اسامی کارگران فعال حقوق کارگری در بند: شاهرخ زمانی - محمد جراحی - بهروز علامه زاده - بهروز نیکوفرد - علیرضا سعیدی - غالب حسینی - علی آزادی - پدram نصرالهی - رسول بداغی (عضو کانون صنفی معلمان) - عبدالرضا قنبری - مهدی فرحی شانديز - شريف ساعد پناه - مظفر صالح نيا

### وضعیت زنان کارگر

زنان کارگر، در جامعه مردسالار ایران از تبعیض‌های چندگانه‌ی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قانونی رنج می‌برند و اولین قربانیان وضعیت بحرانی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در ایران هستند. زنان کارگر، علاوه بر این که مشاغل کم درآمد و پر زحمت با ساعات کار طولانی و غیرقانونی در اختیار دارند و در شرایط کار مساوی با مردان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند، در صف اول اخراج‌ها نیز قرار دارند. افزایش نرخ بیکاری زنان، به نقل از سایت مرکز آمار ایران، از ۳۳ درصد در سال ۸۴ به ۴۳ درصد در سال ۹۰ نشانگر این واقعیت است.

زنان کارگر در آمارهای رسمی پنج درصد کل کارگران را تشکیل می‌دهند و چون اغلب در بخش غیر رسمی شاغل هستند، در آمارها جایی ندارند و نادیده گرفته می‌شوند. هر چند آنان در بخش رسمی نیز از حقوق اولیه قانونی خود نیز بهره‌مند نمی‌شوند و طبق قانون کار امتیازاتی که ظاهراً برای کمک به زنان کارگر، در نظر گرفته شده، موجب شده است تا کارفرماها به استخدام زنان کارگر، رغبتی نشان ندهند و برای فرار از قانون مرخصی زایمان، حق شیردادن، ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک، از استخدام زنان کارگر سر باز زنند و یا هنگام عقد قرارداد کار از کارگر زن تعهد گیرند که طی زمان قرارداد حق حامله شدن ندارند.

بر اساس ماده ۱۹۱ قانون کار، کارگاه‌های کوچک کمتر از ۱۰ نفر، از مقررات قانون کار مستثنی هستند. بنا بر گزارش‌های موجود، کارگران شاغل در این بخش که اکثریت کارگران زن را تشکیل می‌دهند، بدون هیچ گونه حق بیمه درمانی، بیمه بازنشستگی، مرخصی سالانه، مرخصی زایمان، با کار طاقت فرسا و ساعات کار طولانی و دستمزد اندک و بدون هیچ نظارتی در رعایت ایمنی کار و بهداشت محیط، مشغول به کارند. بخش بزرگی از زنان کارگر نیز به مشاغل خانگی روی آورده‌اند که اغلب با کودکان و همراه با خانواده خود با ساعات کار بسیار طولانی به تولید خانگی می‌پردازند و دولت نیز هیچگونه نظارتی بر این بخش تولیدی ندارد. دولت با تصویب "طرح دور کاری" مشوق کارفرماها برای این نوع بهره‌کشی و افزایش فشارهای جسمی، روحی، روانی و انواع خشونت علیه زنان، می‌باشد.

متأسفانه به این کارگران باید کارگران تن فروش را هم اضافه نمود که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود، این بخش از کارگران زن ضمن این که هیچ گونه حق و حقوقی ندارند، در معرض خطر دستگیری و زندان و اعدام نیز هستند.

### - کودکان کار

کار کودکان زیر ۱۵ سال، بر اساس ماده ۷۹ قانون کار، ممنوع است ولی طبق آمارهای غیر رسمی بنا به گزارش سایت دولتی مشرق و مرکز پژوهش‌های مجلس در ۱۷ مهر ۱۳۹۱، از ۳ میلیون و ۲۶۵ هزار کودک بازمانده از تحصیل، حدود ۳ میلیون نفر، کودکان کار هستند.

کودکان کار، اغلب در کارگاه‌های کوچک مشغول به کارند. و یا به مشاغل خانگی و یا به دستفروشی در خیابان‌ها، روی آورده‌اند. با توجه به نرخ ۴۰ درصدی تورم و فقر خانوارهای محروم جامعه ایران، تعداد این کودکان رو به افزایش است.

در شرایط کنونی، به ویژه با افزایش میزان اخراج کارگران از واحد های صنعتی و شرکت ها، زنان و کودکان در فقر و بی پناهی و بی قانونی رها شده اند و افزایش آمار تن فروشی زنان و خردسالان، کاهش سن معتادان و افزایش بی سواد و کم سواد از پیامدهای آشکار آن است.

## - کارگران افغان

وضعیت کارگران افغان و به طور کلی کارگران مهاجر در ایران به شدت اسفناک است. از حدود دو میلیون کارگر افغان ساکن در ایران، بیش از ۱۴۰۰۰۰۰ نفر آنان، یعنی بیش از دو سوم، فاقد مدارک قانونی کار هستند و با این که سال هاست در ایران مشغول به کارند، دولت به وضعیت اقامت آنان توجه نمی کند. این شرایط، باعث شده است، این کارگران حتی از آن بخش ناچیز حقوقی که دیگر کارگران برخوردارند، محروم باشند. دستمزد این کارگران در مقایسه با کارگران رسمی بسیار پایین تر و شرایط کاری شان دشوارتر است و از هیچ گونه بیمه درمانی، بازنشستگی و یا حوادث نیز برخوردار نیستند. فرزندان آنان از مدرسه و آموزش محروم هستند و برایشان برگه های هویت صادر نمی شود و در شرایط بسیار سختی روزگار می گذرانند.